

ردیف اول کلاس

فیلی وقتی به مدرسه رسید، اولین نفر پشت در کلاس ایستاد. وقتی بچه‌ها را دید خودش را به در چسباند تا مبادا کسی قبل از او وارد کلاس بشود. توی کلاس، فیلی و خرسی ردیف اول نشستند. خانم زرافه به بچه‌ها گفت، یکی یکی اسم خودشان را با صدای بلند بگویند، تا با هم آشنا شوند. فیل کوچولو گفت: «من فیلی هستم.» خرس کوچولو گفت: «(من خرسی هستم.)» موش کوچولو که ردیف دوم پشت فیلی نشسته بود، گفت: «(من موشی هستم.)» خانم معلم سرش را این طرف و آن طرف برد و گفت: «اما من تو رو نمی‌بینم!» موشی گفت: «اجازه خانم، من هم شما رو نمی‌بینم.» خانم زرافه پرسید: «بچه‌ها چرا من و موشی نمی‌تونیم همدیگه رو ببینیم؟» فیلی گفت: «چون من جلوی موشی هستم.» خانم زرافه گفت: «(فیلی، تو چرا دوست داری ردیف جلو بشینی؟» فیلی گفت: «چون ردیف اول جای بچه‌های زرنگه! من می‌خوام زرنگ کلاس باشم تا مثل شما یک خانم معلم بشم.» خانم زرافه گفت: «اما من وقتی مثل شما به مدرسه می‌رفتم، به خاطر گردن بلندم، هیچ وقت نتوانستم ردیف اول بشینم.» بچه‌ها خندیدند.

خانم معلم گفت: «برای زرنگ کلاس شدن، باید خوب به حرف‌های من گوش کنی و هر چیزی رو که نفهمیدی و یاد نگرفتی، از من بپرسی. حالا به من اجازه میدی تا جایی مناسب برای تو انتخاب کنم؟» فیلی گفت: «بله!» کیفش را برداشت و از نیمکت بیرون آمد.



لیلا هنرکار
کیانا میرزایی

